



## ژورنال حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰  
شماره پیاپی ۲۴ (صفحات ۱۸۴-۱۵۹)



### "ارائه دیدگاه‌ها - نگرانی‌ها و مشارکت در فرایند کیفری" به مثابه حق شنیده شدن کودکان بزه‌دیده: با رویکردی تطبیقی به اسناد بین‌المللی و سامانه حقوقی ایران

مهرداد رایجیان اصلی<sup>۱</sup>  
سیدسجاد رزاقی موسوی<sup>۲</sup> ✉

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

#### چکیده

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی تطبیقی به اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، ارائه دیدگاه‌ها، نگرانی‌ها و مشارکت در فرایندی را به مثابه حق شنیده شدن کودکان بزه‌دیده بررسی می‌کند. کودکان به عللی، دیدگاه‌ها- نگرانی‌ها و عدم مشارکت خود در فرایند کیفری را گزارش یا ابراز نمی‌نمایند و نه تنها از نظر قانونی حمایت نمی‌شوند بلکه آسیب‌هایی را در قالب بزه‌دیدگی دومین و تکرار بزه‌دیدگی متحمل می‌گردند. مقاله، ضرورت فرهنگ‌سازی و حساسیت‌سازی عمومی در شناخت حق‌های کودکان بزه‌دیده و گزارش‌دهی نقض آنها، حق بر بیان بزه‌دیدگی و بر شنیده شدن آنها در جهت شکستن سکوت کودکان، و نیز جلب اعتماد آنان به نظام عدالت جنایی با ایجاد تسهیلاتی در فرایند رسیدگی را به تصویر می‌کشد. تصویب کنوانسیون حقوق کودک در مجلس ایران گام مثبتی در شناسایی و حمایت از حق‌های کودکان بزه‌دیده نتیجه‌گیری شده است. استفاده از تجربیات کشورهای دیگر نیز برای اجرای بهتر این سند بین‌المللی مفید و مؤثر است.

**واژگان کلیدی:** حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها، حق شنیده شدن، حق مشارکت، عدالت جنایی، کودک بزه‌دیده

✉ mousavisajjad98@gmail.com

۱. استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

پدیده بزه‌دیدگی کودکان مسأله‌ای مربوط به زمان حاضر نبوده و نگاه اجمالی به تاریخ بشری به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده همواره به‌عنوان برجسته‌ترین قربانی تاریخ، چهره می‌نماید (کلانتری و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). به این سان با توجه به حساسیت بالای موضوع در خصوص کودکان، نیازمند تعریف خاص از بزه‌دیدگی در این حوزه هستیم. در یک تعریف مشهور آمده: «بزه-دیدگی وصف شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد» (عباچی، ۱۳۸۳: ۸۱). با این توضیح؛ بزه‌دیده<sup>۱</sup> شخصی است که از جرمی متحمل آسیب و زیان بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی و حیثیتی، زیان مالی و یا دیگر آسیب‌های وارد بر حق‌های بنیادی خود می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۸). از این میان، کودک بزه‌دیده<sup>۲</sup> یکی از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان هستند که توجه بزه‌دیده‌شناسان را نیز به سوی خود جلب کرده‌اند (Rayejian Asli, 2013: 57). همچنین، سازمان ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ نیز به این تعریف اتمام ورزیده و مقرر داشته است: «بزه‌دیدگان، افرادی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمات بزرگی به حقوق اساسی افراد هست. این خسارت ناشی از افعال یا ترک افعالی است که اولاً قوانین کیفری یک دولت عضو را نقض می‌کند؛ ثانیاً، نشان‌دهنده تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه حقوق بشر برای بزه‌دیدگان جرایم از یک سو و برای سو استفاده از قدرت از طرف دیگر در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند».

براین اساس می‌توان گفت؛ سوء رفتار نسبت به کودکان و نادیده گرفتن حقوق بنیادی آن‌ها به اشکال مختلف، در همه جوامع به چشم می‌خورد. کودکان به لحاظ وابستگی‌شان به بزرگسالان برای رشد و نمو، آسیب‌پذیری آنها و نادیده گرفته شدنشان اصولاً قادر به احقاق حق خود، اعتراض، راه‌اندازی کمپین و غیره نیستند. بسیاری از کودکان نمی‌دانند جرمی بر علیه آنها واقع شده و چطور باید گزارش جرم واقع شده را بدهند و یا در مواردی که آن‌ها برای سوءاستفاده و بهره‌کشی پرورنده می‌شوند. بدین سان، معلمان و متخصصین، همیشه نمی‌دانند چه پاسخی باید به کودکان، وقتی بزه‌دیده واقع شده‌اند و آن را بیان کرده‌اند، بدهند. وقتی جرم در خانه و همچنین مدرسه توسط افراد خانواده یا معلمان و مربیان وغیره واقع می‌شود، کودکان کمتر تمایل به گزارش کردن آنها دارند. کودکان اغلب از پلیس هراس دارند. آنها از تهدیدهایی که توسط مرتکب جرم صورت

---

1. Victim

2. Juveniles as Victims



می‌گیرد نیز می‌تواند (Victim's Commissioner's Office, 2017: 13-14). به همین سان، در بسیاری از نقاط جهان هیچ‌گونه محمل و سامانه‌ای که مسئول ثبت و پیگیری و بررسی کامل موارد گزارش خشونت علیه کودکان باشد وجود ندارد.

در این میان، لازم است برای حصول اطمینان از دسترسی کودکان بزه‌دیده به عدالت و برخورداری از حمایت‌های کیفری و غیرکیفری پیش‌بینی شده در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی باید امکان دسترسی آنها به عدالت فراهم گردد. از جمله علل عدم دسترسی کودکان بزه‌دیده به عدالت، سکوت آنها به دلایل پیش‌گفته، شنیده نشدن کودکان، عدم مشارکت آنها در بررسی نیازهایشان و اتخاذ تدابیر لازم، عدم شناخت یا عدم اعتماد کودکان بزه‌دیده و گاه‌آه خانواده آنها و افراد جامعه به نظام عدالت جنایی، ترس از عواقب سوء و بزه‌دیدگی ثانوی کودک در روند دادرسی و غیره می‌باشد.

نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر می‌رسد، این است که هدف از مجازات دیگر ترمیم آنچه بر بزه‌دیده رفته بود نبوده، نظام عدالت جنایی از گذر اجرای مجازات به دنبال استقرار نظمی که مرتکب با ارتکاب جرم آن را بر هم زده بود و بزه‌دیده به ابزاری برای قدرت‌نمایی و حکومت و تنبیه ناقضان امر سلطان تبدیل شده بود. حضور بزه‌دیده همچنان در روند رسیدگی کیفری حفظ شده بود اما بزه‌دیده دیگر آن جایگاه تعیین‌کننده سابق را در روند رسیدگی نداشته و از کنشگری فعال و صاحب اثر تبدیل به بهانه‌ای برای شروع تعقیب شده بود. این رویه و نوع نگاه به پدیده جنایی در قرن گذشته از جانب جرم‌شناسی انتقادی و جنبش‌های حامی زنان به نقد کشیده شده و بر توجه به بزه‌دیده و صدماتی که متحمل شده است تأکید شد.

امری که در نظام سنتی عدالت جنایی به دست فراموشی سپرده شده بود. در اواخر قرن بیستم تحت تأثیر یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی و در پاسخ به همین ناکارآمدی‌ها و کاستی‌های نظام عدالت جنایی نگاهی متفاوت به بزه‌دیده شکل گرفت و جایگاه بزه‌دیده در فرایند رسیدگی کیفری تقویت گشت. نگاهی که به بزه‌دیده به‌عنوان یکی از سهامداران پدیده جنایی می‌نگریست و ترمیم آسیب‌های او را یکی از اولویت‌های مواجهه با پدیده جنایی می‌دانست. کنوانسیون حقوق کودک در چنین فضایی و در جهت حمایت از حقوق کودکان در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید. یکی از مواد مهم این کنوانسیون که بر نقش کودکان در فرایندهای تصمیم‌گیری تأکید می‌کند ماده ۱۲ این کنوانسیون می‌باشد. ماده مذکور با شناسایی حق کودکان برای شنیده شدن<sup>۱</sup> و توجه به اظهارات آنان توسط افراد و نهادهای تصمیم‌گیرنده درصدد است تا نقش کودکان را چه در جایگاه بزه‌کار و چه در جایگاه بزه‌دیده پررنگ‌تر کند. رویکردی که کودک را تنها به جهت کودک بودنش از فرآیند

1. The right to be heard

رسیدگی حذف نمی‌کند و به او اجازه می‌دهد تا بابتان عقاید و اظهاراتش در روند رسیدگی مشارکت نماید.

به‌طور کلی، حق شنیده شدن از جمله مهم‌ترین حقوق اساسی است که اجمالاً اصل این مهم در نظام‌های حقوقی مختلف مورد پذیرش قرار گرفته و اسناد بین‌المللی متعددی نیز بر آن تأکید نموده‌اند. این حق در مورد کودکان بزه‌دیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لکن آنچه اهمیت دارد بیان حدود و ثغور حق مزبور است. با توجه به آنکه کشور ایران با تصویب قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲ به جمع اعضای این کنوانسیون پیوسته است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است، می‌توان گفت که حق شنیده شدن کودکان جزئی از قوانین ایران محسوب شده و بایستی نمود و ظهور آن را در قوانین مرتبط با آن مشاهده نمود. افزون بر آن، در اسناد بین‌المللی متعددی که به تصویب رسیده، حق کودک بزه‌دیده به رسمیت شناخته شده است از جمله آن‌ها، اجازه بیان دیدگاه‌ها به کودک و اصل احترام به آزادی عقاید آن‌ها می‌باشد. در سیاست جنایی ایران، افزون بر برخی حمایت‌های قانونی، تدبیرهایی در سطح قضایی نیز برای حمایت از کودکان بزه‌دیده پیش‌بینی شده‌اند که بخش‌نامه شماره ۱۸۴۲۱/۸۱/۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ رئیس قوه قضائیه به رؤسای کل دادگستری یکی از آن‌هاست.<sup>۱</sup>

با این توصیفات، مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل می‌باشد: نخست؛ اسناد بین‌المللی در جهت حمایت از کودکان بزه‌دیده در فرایند کیفری چه حقوقی را مقرر کرده‌اند؟ دوم؛ حقوق جنایی ایران در زمینه پیش‌بینی مؤلفه‌های دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده تا چه اندازه متأثر از اسناد بین‌المللی می‌باشد؟ براین اساس ابتدا حق کودک بزه‌دیده در ارائه نظرات و دیدگاه‌ها در رویه قضایی و موضع اسناد بین‌المللی حقوق کودک و همچنین تحلیل موضع نظام حقوقی ایران با ابتناء بر عدالت جنایی را بررسی می‌کنیم و سپس با لحاظ ملاحظات کلی، کوشیده‌ایم معیارهایی کلان برای ارزیابی تحولات حق شنیده شدن کودکان بزه‌دیده به‌مثابه مشارکت استخراج نماییم.

۱. به‌موجب این بخش‌نامه: نظر به ضرورت ارتقای کیفیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزه‌کار و نیز حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و ضرورت حمایت از حقوق زنان مقرر می‌گردد، واحدی به‌عنوان دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان در نهاد قوه قضائیه و دفاتری تحت نظر رؤسای کل دادگستری در هر استان تأسیس و نسبت به انجام امور ذیل اقدام نمایند الف- نظارت بر روند رسیدگی به پرونده‌های مربوط به زنان، اطفال و نوجوانان بزه‌کار به‌ویژه در جهت تسریع در رسیدگی، صدور احکام تناسب و اهتمام به اصلاح و تربیت آنان  
ب- حمایت از زنان، اطفال و نوجوانان بزه‌دیده  
پ- ارتقای کیفی آموزش قضات دادگاه‌های اطفال. لازم است، گزارش انجام موارد مذکور مرتباً به واحد مذکور در نهاد قوه قضائیه ارسال گردد.

## ۱. حق کودک بزه‌دیده در ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها<sup>۱</sup>

یکی از حق‌هایی که می‌توان برای کودک در فرآیند دادرسی قائل شد، اجازه به کودک برای ارائه دیدگاه‌ها و نظرات اوست.<sup>۲</sup> کودک برای ابراز نظرات خود درباره موضوعات مؤثر بر زندگی باید از آزادی‌هایی نیز برخوردار باشند اما در این راستا با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند که عموماً از سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها ناشی می‌شوند خصوصاً گروه‌های خاصی از کودکان (کودکان بزه‌دیده). بدیهی است کاهش سیاه رقم جرایم به‌طور کلی در خصوص کودکان به طور خاص، با حق بر شنیده شدن و حق بر بزه دیدگی ارتباط مستقیمی داد. لازم به توضیح است که «شنیده شدن» لزوماً مسبوق به «گفتن» و «گفتن» نیز لزوماً به معنای «شنیده شدن» نیست. بعضاً بزه دیده قادر به بیان آنچه برایش رخ داده، می‌باشد و به‌رغم ابراز آن، به دلایل مختلفی تظلم خواهی او شنیده نمی‌شود و بالعکس.

در این زمینه یکی از زیر بناهای هر مداخله راهبردی، شکستن سکوتی است که طی آن کودکان موارد خشونت جسمی، روانی یا جنسی را تحمل می‌کنند. کودکان – به رغم میزان ترس و نفرت آنها از خشونت – تجربه می‌کنند – احساس می‌کنند در جایگاهی نیستند که احساسات و افکار خود را اعلام کنند. بسیاری از آنها احساس شرمساری دارند و برخی دیگر ترس برانگیختن خشونت بیشتر یا مداخلات حساب نشده که بدون در نظر گرفتن حساسیت موضوع می‌تواند موقعیت کلی آنها را وخیم‌تر نماید، سکوت اختیار می‌کنند (سرچیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۸۵).

تحقیقی که توسط مجمع اصلاحات کیفری هوارد<sup>۳</sup> صورت گرفته نشان می‌دهد که کودکان در صورت عدم سکوت و بیان وقایع رخ داده، احساس می‌کنند که بزرگسالان هنگامی که می‌بایست کودکان را به‌عنوان یک قربانی بنگرند، آنها را مرتکب جرم می‌انگارند (The Howard League for Penal, 2008: 8). به لحاظ سنین مختلف، کودک در زمان نوزادی و مراحل اولیه رشد خود، اصلاً قادر به اعلام وقایع رخ داده علیه او نیست و توانایی لازم را در این خصوص ندارد. حال اگر متجاوز به حقوق او، فرد بیگانه باشد، ممکن است خانواده کودک، در صورت اطلاع، نسبت به اعلام جرم اقدام نمایند ولیکن اگر این تعرض توسط افراد خانواده باشد احتمال اطلاع مراجع قضایی از آن به حداقل می‌رسد. کودکان در سنین بالاتر، اگرچه توان صحبت کردن و توضیح دادن اتفاقاتی که

1. The Right to views and concerns.

2. National policy guidelines for victim empowerment, United Nation office on drugs and crime, UNODC, Social Development, Republic of South Africa.

۳. مجمع اصلاحات کیفری هوارد در انگلستان یک خیریه ثبت شده و قدیمی‌ترین سازمان اصلاح کیفری در جهان است. این خیریه بر اصلاح کیفر در انگلستان و ولز متمرکز است. این مجمع مستقل از دولت بریتانیا است و با کمک‌های داوطلبانه اداره می‌شود.

برای آنها رخ داده را دارند اما باز به دلایل مختلف از بیان آن وقایع ابا دارند. همانطور که در این نوشتار گذشت، در مواردی کودکان متوجه اینکه نسبت به آنها سوء رفتاری صورت گرفته نیستند؛ بسیاری از غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌هایی که نسبت به اطفال صورت می‌گیرد، امری طبیعی جلوه می‌نماید؛ نه کودک و نه خانواده این آشنایی و اطلاعات را ندارند که حقوقی از طفل در حال ضایع شدن می‌باشد. حتی از آن فراتر، در مواردی جامعه نیز بسیاری از سوءرفتارها را که نسبت به اطفال در قالب «تربیت» و «سنت» صورت می‌گیرد موجه و مشروع می‌پندارد. نهایتاً دولت‌ها نیز گاهی با وضع مجازات‌هایی همچون اعدام، برای اطفال و نوجوانان، این قشر آسیب‌پذیر را مورد خشونت قرار می‌دهند.

همچنین در مواردی در سنین بالاتر که کودک کاملاً قادر به بیان جرم واقع شده علیه او می‌باشد، امیدی به وضعیت بهبود شرایط خود در صورت اعلام جرم و گزارش مآووقع ندارد. در بسیاری از موارد کودکان به بیان نقض حقوقشان می‌پردازند ولیکن مشاوران امین و آگاه در اختیار ندارند و بزرگسالی که مخاطب کودک قرار گرفته، نمی‌داند چگونه او را راهنمایی کند.

در نتیجه باید اذعان داشت که سخنان بزه‌دیدگان را باید شنید، زیرا هنگامی که آنان به دادگاه می‌آیند تنها به خاطر شکایتی که کرده‌اند نیست بلکه برای سردادن فریاد خشم و فریاد بی‌عدالتی است. با این توضیح که این فریاد حاوی درخواست‌های متعددی است، از جمله: درخواست درک شدن، دریافت یک گزارش واضح و قابل‌پذیرش از آنچه روی داده است. اما باید توجه داشت که تنها در آخرین مرحله است که درخواست جبران خسارت توسط بزه‌دیدگان مطرح می‌شود (لیپز، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

اما باید همواره این مهم را مطمح نظر قرار داد که این حق یکی از راه‌های پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان شناخته شده است که بر پایه آن، نه تنها به بزه‌دیده باید اجازه داده شود تا دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را در مرحله‌های مناسب فرایند کیفری بدون لطمه زدن به حقوق متهم و زمانی که در منافع شخصی شما مؤثر است بیان کند، بلکه این دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها باید هماهنگ با نظام عدالت جنایی مربوط مورد رسیدگی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

در حقوق ایران به صراحت از این حق کودکان سخن به میان نیامده است، البته پاره‌ای از اصول قانون اساسی به حق برخورداری دیگر اشخاص این قانون از آزادی حقیقی و حقوقی از این حق اختصاص یافته. برای نمونه اصل ۲۴ قانون اساسی از حق نشریات و مطبوعات در بیان آزادانه مطالب سخن گفته است؛ اصل ۸۶ قانون اساسی نمایندگان مجلس در اظهار آزادانه نظراتشان سخن به میان آورده، همچنین اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز به آزادی بیان در صدا و سیما اشاره داشته که

۱. بند ب پاراگراف ۶ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵.

البته اعمال این آزادی مشروط به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور شده است (سلیمانی، محسنی، قبولی درافشان، ۱۳۹۵: ۲۸).

گفتنی است، در نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ شورای نگهبان؛ «بند ۱ ماده ۱۲، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳، بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴، بند ۲ ماده ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶ و بند ۱ قسمت یک ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک»، مغایر موازین شرع شناخته شد و در نهایت بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است کنوانسیون حقوق کودک تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده شد، مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد (پور قهرمانی گل تپه، ۱۳۸۳: ۸۴). با عنایت به آنکه شناسایی حق شنیده شدن کودکان بزه‌دیده و ارائه سازوکار برای تحقق آن جز مسائل شکلی<sup>۱</sup> محسوب می‌شود، برای استخراج موضع قانون‌گذار ایران بایستی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مراجعه نمود. قانون مذکور در هیچ یک از مواد خود به صراحت نامی از حق شنیده شدن کودکان، فارغ از آنکه کودک بزه‌کار باشد یا بزه‌دیده، نبرده است. ولی، این مهم در اسناد بین‌المللی جایگاه خاصی یافته است. در این راستا در دهه ۱۹۸۰، «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت<sup>۲</sup>»، در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان تصویب گردید. در این اعلامیه، تدابیر لازم برای بهبود دسترسی به عدالت، رفتار منصفانه، جبران خسارت، پرداخت غرامت و کمک، ارائه شده

۱. گرچه حق شنیده شدن بحثی شکلی و مربوط به آیین دادرسی کیفری است، اما توجه به قانون مجازات ۱۳۹۲ نیز می‌تواند در این خصوص روشن‌گر باشد. در برخی از مواد قانون فوق‌مقرراتی وجود دارد که نه تنها شرایط را برای اظهار عقیده کودک و اعلام جرمی که نسبت به ارتکاب یافته است فراهم نمی‌آورد بلکه سبب می‌شود کودک بزه‌دیده از ترس اینکه خود نیز مورد بازخواست قرار بگیرد سکوت کرده هیچ‌گاه جرم ارتكابی کشف نشود. برای مثال تبصره ۲ ماده ۲۲۱ قانون مجازات، زناکار نابالغ را مستوجب اقدامات تأمینی و تربیتی می‌داند. به نظر می‌رسد که طفل در یک رابطه نامشروع تنها بزه دیده است و نه بزه‌کار که مستوجب اقدامات تأمینی قرار بگیرد، حتی اگر اثری از خشونت و اکراه نیز وجود نداشته باشد. همان‌گونه که در قوانین بسیاری از کشورها رابطه جنسی با افراد زیر ۱۳ (فرانسه) و یا ۱۶ سال (انگلستان) در هیچ صورتی با رضایت فرض نمی‌شود و مسلماً در هر صورت طفل بزه‌دیده فرض می‌گردد. همچنین با توجه به اینکه جرائم جنسی بخش عمده‌ای از جرائمی که علیه کودکان ارتکاب می‌یابد را تشکیل می‌دهد و با توجه به اینکه سن بلوغ مورد پذیرش قانون مجازات منطبق با واقعیات موجود جامعه نیست، در عمل موجب خواهد شد بسیاری از سوءاستفاده‌های جنسی ارتکاب یافته علیه کودکان به دلیل ترس آنان از مجازات شدن هیچ‌وقت برملا نشود. این موضوع نکته‌ای است که اگر قانون‌گذار داعیه حمایت از اطفال را دارد بایستی بدان توجهی دقیق و شایسته بنماید.

2. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, General Assembly, Resolution 40/34.

است. حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های کودک بزه‌دیده در کنوانسیون حقوق کودک نیز پیش‌بینی شده است. ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه اشعار می‌دارد:

«۱- کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود هست بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود ابراز کند، به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ به بهاداده خواهد شد. ۲- بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصت‌هایی فراهم آورده می‌شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی‌های اجرایی و قضایی مربوط به وی به‌طور مستقیم یا از طریق نماینده یا شخصی مناسب به هر طریقی که مطابق با مقررات اجرایی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده کند». همانطور که مشاهده می‌شود، منظور ماده ۱۲ از شنیده شدن صدای کودک، صرفاً شنیده شدن صدای وی نیست بلکه منظور در نظر گرفتن و توجه به دیدگاه‌های کودک است و تصریح در تطابق سن و بلوغ کودک که بیانگر این مهم است، چون سن و بلوغ تا حد زیادی تعیین‌کننده سطح درک و ظرفیت‌های کودک می‌باشد. علاوه بر آن، توانایی شکل دادن عقاید به این معناست که کودک توانایی توصیف و تشریح برداشت خود از تجربه پدیده جنایی را داشته باشد. در واقع منظور این است که کودک بتواند افکار، عقاید، احساسات و در یک کلام برداشت خود از پدیده مجرمانه را در قالب کلمات برای دیگران بیان کند. اگرچه این توانایی از نخستین سال‌های زندگی کودک وجود داشته و او قادر است نظرات خود را شکل‌بندی کرده بیان نمایند، اما میزان اهمیت و تأثیری که این نظرات بر افراد تصمیم‌گیرنده خواهد داشت بستگی به سن و قابلیت مداخله<sup>۱</sup> کودکان در مسائل مربوط به خودشان دارد.<sup>۲</sup>

نکته مهم دیگری که از متن ماده ۱۲ قابل استنباط می‌باشد آن است که دولت‌ها مکلف‌اند فرصت ابراز عقیده را در تمامی مراحل رسیدگی برای کودک فراهم آورند. فراهم آوردن فرصت غیر از به رسمیت شناختن امکان ابراز عقیده کودک می‌باشد و وظایف سنگین‌تری را متوجه دولت‌های عضو و قانون‌گذار می‌نماید. در نتیجه، ماده ۱۲ به این نکته اشاره دارد که دولت‌ها باید شرایط خاص کودکان را درک کنند و بر اساس همین شرایط امکان ابراز عقیده کودک را در عمل فراهم نمایند. بند ۲ ماده ۱۲ نیز بیانگر الزام دولت‌ها به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شنیده شدن صدای کودک خصوصاً در یک‌روند قضایی و اداری مؤثر بر اوست. این بند مشخصاً برای کودک این حق را قائل می‌شود که در هر بررسی قضایی و اداری مربوط به خود، عقایدش را اظهار دارد، این حق طیف گسترده‌ای از دادرسی‌ها و تصمیم‌گیری رسمی مؤثر بر کودک، مثلاً در مورد آموزش، بهداشت، برنامه‌ریزی، محیط‌زیست و مانند این‌ها، را در برمی‌گیرد. حقوق کودک مقرر در دو بند ماده مذکور

1. Evolving capacities

2. Every child's right to be heard, a resource guide on the un the committee on the rights of the child





فی‌نفسه به معنای حق مشارکت در تصمیم‌گیری است و نه حق خودمختاری. کمیته حقوق کودک نیز پیوسته تأکید کرده است که باید کودک را صاحب حقی فعال محسوب کرد (هاجکین، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

همچنین در بند ۴ ماده ۸ اصول راهبردی عدالت برای کودک بزه‌دیده و شهود ۲۰۰۴ آمده است که: «هر طفلی دارای حق بیان آزادانه دیدگاه‌ها، عقاید و نگرانی‌های خود در مورد همه امور، به‌ویژه مشارکت و مداخله در اتخاذ تصمیماتی که زندگی وی را متأثر می‌سازد. از جمله این تصمیمات آن‌هایی است که در فرآیند قضایی در مورد وی اتخاذ می‌شوند به عبارت مناسب تر، هر طفلی حق دارد دیدگاه‌ها و اظهاراتش مورد توجه قرار گیرد». افزون بر آن، بند ۱ ماده ۹ شورای اروپایی کنوانسیون حمایت از کودکان علیه استثمار و سوءاستفاده جنسی ۲۰۰۷، دولت‌ها را تشویق به مشارکت کودکان مطابق با ظرفیت قانونی‌شان، در توسعه، اجرای برنامه‌ها، سیاست‌های دولت و سایر اهداف نموده است. اما در قانون محافظت از کودکان<sup>۲</sup> مصوب سال ۲۰۱۳ در جهت این نقیصه گام بلندی برداشتی شده و در بند ۶ ماده ۶۱ مقرر می‌کند که: «قضات باید موظف شوند که نظرات و خواسته‌های کودک بزه‌دیده را مدنظر قرار دهند». به این سان؛ همان گونه که تاکنون ذکر شد، اسناد بین‌المللی حقوق کودکان بزه‌دیده از آن جهت بر حق ابراز عقاید کودکان تأکید دارند که این حق مقدمه مشارکت اجتماعی آنان است. به عبارت ساده‌تر، تا فردی آزادی ابراز عقیده نداشته باشد نمی‌تواند نیت خود را به مرحله عمل درآورد.

پر واضح است که حق آزادی عقاید مقدم بر حق مشارکت است. از طرفی روان‌شناسی تربیتی ثابت کرده است که اگر به کودکان اعتماد کنیم آنان افرادی متکی به نفس بار می‌آیند و اگر به آن‌ها اجازه دهیم که در مسائل مربوط به خود تصمیم‌گیری کنند، مسئولیت‌پذیر خواهند شد (عبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۱۱). شایان ذکر است که در نظام عدالت جنایی انگلستان، کودکان و نوجوانان دارای برخی حقوق قانونی هستند. علاوه بر حقوقی که در مقررات داخلی مقرر گردیده‌اند از جمله؛ قانون حقوق بشر ۱۹۸۸، تعدادی از کنوانسیون‌ها، استانداردها، معاهدات و قواعد بین‌المللی وجود دارند که مقرراتی را در مورد سیاست و رویه عدالت جنایی خاص نوجوانان ارائه می‌کنند (مهر، ۱۳۹۰: ۱۰۴). برای اطلاع از موضع قانون‌گذار انگلستان در خصوص حق شنیده

1. Guideline on Justice for child victims and witnesses of Crime, The Economic and social council. UN. 2004.

2. Council of Europe, Convention on the protection of children against sexual exploitation and sexual abuse, lanzarote, 25.x.2007

3. Child protection Model Law, Best Practices: Protection of Children from Neglect, Abuse, Maltreatment, Exploitation, The Protection project, International center for Missing Exploited Children, January 2013.

4. Human Right Act

شدن کودکان بزه‌دیده در روند رسیدگی کیفری باید به قانون شیوه برخورد با بزه‌دیدگان<sup>۱</sup> مصوب ۲۰۱۵ مراجعه کنیم. در مقدمه قانون مذکور در تعریف بزه‌دیده آمده است: «بزه‌دیده شخصی حقیقی است که از آسیب‌های جسمی، روانی یا عاطفی یا زیان‌های اقتصادی که به‌طور مستقیم از یک جرم ایجاد شده است، رنج می‌برد».<sup>۲</sup> فصل سوم این قانون به کودکان و نوجوانان بزه‌دیده اختصاص دارد. این فصل که از دو قسمت حقوق کودکان و نوجوانان بزه‌دیده<sup>۳</sup> و وظایف ارائه‌دهندگان خدمات برای کودکان و نوجوانان<sup>۴</sup> تشکیل شده است به تفصیل در خصوص حقوقی که کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در روند رسیدگی کیفری از لحظه گزارش جرم تا پس از صدور رأی قطعی دارند صحبت نموده است. امکان دیگری که در این قانون پیش‌بینی شده است و ارتباط وثیقی با حق شنیده شدن دارد و می‌توان گفت که حق شنیده شدن را در معنای کامل خود جامعه عمل می‌پوشاند، اظهارات بزه‌دیده درباره آثار بزه‌دیدگی خود<sup>۵</sup> می‌باشد. در این مورد قانون این امکان را فراهم آورده است تا بزه‌دیده بتواند با ادبیات و کلام خود تمام تأثیری که جرم بر او داشته است را بیان کند. این اظهارات با دیده‌ها و شنیده‌های متهم که در مقام ارائه شواهد شرح داده می‌شود متفاوت است.<sup>۶</sup> ارائه اظهارات شخصی بزه‌دیده به نظر خود او وابسته است و او می‌تواند از اعمال این حق خودداری کند. زمان اعمال این حق تا قبل از صدور حکم قطعی توسط دادگاه می‌باشد. مسأله دیگر آن است که از آنجایی که این اظهارات می‌تواند در حکم دادگاه مؤثر واقع شود، بایستی وکیل و متهم نیز از آن مطلع شده و در صورت لزوم می‌تواند سؤالاتی نیز در این رابطه مطرح نماید.

لازم به ذکر است که در نظام حقوقی انگلستان حتی قبل از صدور رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم در «قانون عدالت صغار و ادله کیفری ۱۹۹۹»،

1. Code of practice for victims of crime

2. a natural person who has suffered harm, including physical, mental or Emotional harm or economic loss which was directly caused by a criminal offence.

تعریف بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تعریفی که قانون کشور انگلستان آمده است اندکی متفاوت است. در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری بزه‌دیده شخصی معرفی شده که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است. در این تعریف برخلاف قانون انگلستان نوع آسیب مشخص نشده است؛ با وجود این، مطابق آنچه در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که بزه‌دیده می‌تواند زیان‌های مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

3. Entitlements for children and young people

4. Duties on service providers for children and young people

5. Victim personal statement

6. The victim personal statement lets you explain in your own words who you feel the crime has affected you. This is not the same as a witness statement about what you saw and heard. Ibid, Para 1.4



ضرورت دادرسی افتراقی در خصوص اطفال بزه‌دیده و لزوم مساعدت طفل در فرآیند دادرسی را به رسمیت شناخته است.

## ۲. حق آزادی بیان در عقاید کودکان بزه‌دیده

یکی از انواع آزادی‌های مشروع کودکان، آزادی بیان<sup>۱</sup> است، یعنی اینکه کودکان بتوانند آزادانه، اندیشه‌ها و احساسات و عواطف خود را به طرق مرسوم و ممکن بیان کنند. آزادی بیان در طول تاریخ، یکی از آرمان‌های بشری بوده و بشریت در راه تحقق این حق، هزینه‌های زیادی متحمل شده است. آزادی بیان با تمام ابزارهای ممکن مانند سینما، رادیو، تلویزیون و غیره حق بشری بسیار مهم با ابعاد اساسی و مفهومی آمیخته با دموکراسی می‌باشد. این حق، کلید حمایت از تمامی حقوق بشری و صیانت از کرامت انسانی و یک مفهوم بنیادین برای حفظ حقوق فردی است (Mendel, 2008:1). ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی بیان کودک بدون هیچ ملاحظه‌ای اشاره کرده ولی عدم ذکر محدودیت نسبت به آزادی بیان در این ماده به معنی مطلق بودن این حق نیست چون در بند ۲ ماده ۲۹ این اعلامیه به محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های مقرر در اعلامیه پرداخته است و می‌توان برداشت کرد که حق آزادی ابراز عقیده و نظر هم تحت این محدودیت‌ها باشند. همچنین، ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ قاهره نیز به این امر اهتمام ورزیده و مقرر داشته است: «۱- هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند. ۲- هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند. ۳- تبلیغات کی ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا موجب زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است. ۴- برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست» (معاونت آموزشی قوه قضاییه، ۱۳۸۸:۱۳۱). افزون بر آن، کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سن خاص حقوق بشری به آزادی بیان توجه داشته و در مواد مختلف آن را مورد تبیین قرار داده است. در این راستا ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل به این مطلب پرداخته و مقرر داشته است: «کودک حق بر آزادی بیان خواهد داشت. این حق شامل آزادی جستجو و تحقیق، دریافت و انتقال همه گونه اطلاعات و ایده‌ها بدون توجه به مرزهای سرزمینی می‌گردد. خواه این اطلاعات و ایده‌ها

1. Freedom of expression

به صورت شفاهی یا کتبی بوده و یا به صورت چاپی بوده و یا اینکه در شکل و فرم هنری و یا از طریق هر وسیله انتخابی دیگر کودک باشد» (Daudin, 2015: 144).

ملاحظه می گردد که در موارد مذکور، برخلاف حق داشتن عقیده و دیدگاه که بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشر حقی است مطلق، آزادی بیان، دیدگاه و نظر، حق مطلق نیست. در نتیجه، ملاک تفکیک این دو حق در این است که دیدگاه و نظر امری است درونی، شخصی و خصوصی؛ بنابراین نمی توان موضوع هیچ گونه قید و محدودیت بیرونی باشد؛ اما دیدگاه و نظر آنگاه که در قالب های بیانی اعم از کلامی، قلمی و هنری درآید جنبه ی درونی، شخصی و خصوصی خود را از دست داده و به گونه ای بعد عمومی به خود می گیرد (سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

### ۳. حق شنیده شدن به مثابه مشارکت

«حق شنیده شدن» از جمله حقوقی است که به موجب آن کودکان می بایست قادر باشند نقطه نظرات، دیدگاه ها و نگرانی های خود را بیان کنند و در موارد ضروری به شکل مؤثری، خود کودکان یا نمایندگان آنها، در اعلام جرم و جریان دادرسی سهیم باشند و مشارکت نمایند<sup>۱</sup> (Penal Reform International, 2013: 14). کودکان نقطه نظرات روشن و واضحی درباره آنچه باید در مورد جرائم علیه آنها انجام شود دارند؛ به همین دلیل نگرش و عقاید آنها در مورد جرم و پیشگیری از جرم نیازمند این امر است که آنها مخاطب قرار بگیرند و شنیده شوند. نقطه نظرات آنها باید در راه حل ها، سیاست ها، عملکردها و خدمات به منظور کمک به پیشگیری از جرم و قربانی شدن، گنجانده شود. (The Howard League for Penal Reform, 2007: 5)

حق مشارکت<sup>۲</sup> یکی از ابعاد نوین مشارکت اجتماعی کودکان است که در دهه های اخیر با استناد به کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین المللی مطرح شده است. یونیسف در سندی که در شرح و توضیح حق شنیده شدن کودکان ارائه داده است، از واژه مشارکت<sup>۳</sup> برای توضیح تمامی ابعاد مداخله کودکان در مراحل مختلف تصمیم گیری استفاده نموده است. در همین سند در توضیح واژه مشارکت آورده شده است: «مشارکت کودکان، فرآیند اظهار عقیده کودکان و حضور فعال آنان در سطوح مختلف تصمیم گیری در خصوص مسائلی که به آنها مربوط است می باشد. این فرآیند نیازمند انتقال اطلاعات به کودکان و گفتگوی دوطرفه همراه با احترام متقابل آنان با

۱. «نهاد بین المللی اصلاح و بهبود کیفر» که یک سازمان مستقل از دولت و دفتر مرکزی آن در لندن مستقر است، در تحقیقی تحت عنوان «حمایت از حقوق کودکان در نظام عدالت جنایی» در سال ۲۰۱۴، نکات کلیدی را برای توجه سیاست گذاران عنوان می کند.

2. The right to participate  
3. Participation

بزرگسالان است. همچنین این فرآیند مستلزم توجه کامل به دیدگاه‌های آنان با توجه به سن و بلوغشان است». در خصوص این تعریف می‌توان چنین گفت که تصمیم‌گیری در خصوص هر فرد یا گروهی نیازمند آشنایی با مقتضیات و شرایط خاص آن افراد می‌باشد و بدون این آگاهی و آشنایی هر تصمیمی انتزاعی بوده و در نتیجه نمی‌تواند نتایج مناسبی بر جای بگذارد. مسلماً کودکان چه بزهکار و چه بزه‌دیده شرایط خاصی دارند که برای بزرگسالان محسوس نبوده و بنابراین تصمیمات آن‌ها فارغ از این توجهات است.

کمیته حقوق کودک<sup>۱</sup> بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن نظارت می‌کند. در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، مجمع عمومی سازمان ملل پروتکل اختیاری سوم را در مورد آیین مکاتبات تصویب کرد که به کودکان اجازه می‌دهد شخصاً شکایات خود در مورد تجاوزات خاصی را که نسبت به حقوق آنها صورت می‌گیرد، به استناد کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن تسلیم کنند. در این راستا کمیته حقوق کودک می‌تواند به شکایت شخصی کودکان در مورد ادعاهای تخلف از کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل اختیاری آن توسط دولت‌های عضو، رسیدگی کنند؛ همان‌گونه که می‌تواند رسیدگی به ادعاهای مهم و سنگین و نقض‌های سیستماتیک حقوق موضوع کنوانسیون و دو پروتکل اختیاری آن را انجام دهد.

مشارکت بزه‌دیده در تصمیم‌گیری مطابق اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ در بند (ب) پاراگراف ۶ از طریق مجاز شمردن طرح و بررسی دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان در مرحله‌های مناسب رسیدگی در جایی که منافع شخصی آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بدون لطمه به متهم و هماهنگ با نظام عدالت جنایی ملی مربوط به رسمیت شناخته شده است و در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک علاوه بر پذیرش این حق مبرهن، برای مشارکت چشمگیر کودکان در تصمیم‌گیری، تعیین یک حد سنی را نیز نمی‌پذیرد و حق مشارکت بر اساس این پیمان‌نامه، دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب و آزادی اندیشه، بیان وجدان و مذهب را فراهم می‌کند و هدف از این حق آن است که کودکان بتوانند مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول خود را پایه‌ریزی کرده و بتوانند نظریات و عقاید خود را بیان کنند (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

اعلامیه سران جهان ۱۹۹۰ نیز به این اقدام اهتمام ورزیده و بیان می‌دارد: «کودکان باید برای زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد آماده شوند. کودکان از اولین سال‌های زندگی خود باید به شرکت در حیات فرهنگی جوامعشان تشویق شوند» و تصریح می‌کند: «در جستجوی این مشارکت ما خصوصاً به خود کودکان روی می‌آوریم، از آن‌ها درخواست می‌کنیم که در این تلاش شما شرکت

1. Committee on the Rights of the Child.

کنند<sup>۱</sup>». با مشارکت دادن کودکان در امور مختلف، فرصت‌هایی چون اظهار عقیده، گوش دادن به خواسته‌های آنان و حضور در عرصه‌های مختلف فراهم می‌آید که خود گامی بلند برای تغییر جامعه توسط کودکان هست. باید توجه داشت که اعطای حق شنیده شدن به کودکان و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها الزاماً به معنای تفویض اختیار تصمیم‌گیری به آنان نیست<sup>۲</sup>. بلکه مشارکت آنان می‌تواند زمینه اتخاذ تصمیمات صحیح‌تری را فراهم آورد. به همین جهت نیز اعطای این حق کودکان با حق ولایت والدین بر آنان تعارضی نداشته و می‌توانند حتی مکمل و مقوم هم باشند. در همین راستا باید گفت که انتقاد برخی به اعطای حق شنیده شدن مبنی بر اینکه باعث کاهش احترام کودک به والدین می‌شود نیز نمی‌تواند صحیح باشد، چرا که جدا از آن که ماده ۲۹ کنوانسیون کشورهای عضو را متعهد به افزایش حس احترام به پدر و مادر در کودک می‌کند، ماده ۱۲ نیز به دنبال تربیت و پرورش کودکانی است که نسبت به نظرات دیگران تسامح داشته برای آن‌ها احترام قائل شوند. بی‌تردید مهم‌ترین گروهی که باید احترام گذاردن نسبت به نظراتشان در کودک درونی شود والدین او هستند.

در اکثر اسناد بین‌المللی اعمال این حق با محدودیت‌هایی همراه است. به عنوان نمونه، محدودیت‌های مذکور در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عبارت‌اند از: الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۵۹). بدین ترتیب، این امر مهم را باید مطمح نظر قرارداد که مشارکت کودک در فرآیند کیفری می‌بایست تمام مراحل کیفری از بدو وقوع جرم و تعقیب آن تا مرحله اجرای حکم مجازات و بعد از آن را در برگیرد. از جمله، مرحله محاکمه که یکی از مراحل مهم فرآیند کیفری هست و از طریق آماده‌سازی مقدماتی کودک و آموزش و تشویق وی فرصت مشارکت کودک را در این مرحله فراهم نمود. این مطالب نشان از آن دارد که بحث مشارکت کودکان در روند رسیدگی کیفری بحثی تشریفاتی نبوده و یافته‌های جرم‌شناسانه بنیان‌های آن را تشکیل می‌دهند. یکی از ترتیباتی که نظام‌های حقوقی گوناگون برای اجرای حق مشارکت به کار می‌بندند، برگی از فرم‌های اظهارات بزه‌دیده درباره آثار جرم بر خود یا فرم دیدگاه‌های بزه‌دیده<sup>۳</sup> است که بر پایه آن، بزه‌دیده می‌تواند گزارش کاملی از آثار جرم روی داده بر خود را تنظیم و به دادگاه ارائه کند. این گزارش ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و در هر صورت باید اطلاعات و خدمت کافی و مناسبی برای دادن این

۱. بندهای ۱۵ و ۲۰ اعلامیه سران جهان ۱۹۹۰

۲. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، حقوق کشور بریتانیا برخلاف حقوق ایران مشارکت کودک را در معنای حداکثری آن پذیرفته و خود کودک را به جای والدین و سرپرستان او اصیل می‌شناسد.

3. victim statements of opinin or victime impact statements

گزارش در اغلب حذفی قرار گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۲۶). بند g از ماده ۶۲ قانون نمونه محافظت از کودکان ۲۰۱۳ در این خصوص می‌گوید، اظهارنامه‌های داده شده از سوی کودک قبل از جلسه رسیدگی مانند اظهارنامه‌های داده شده به مددکاران اجتماعی یا افسران مجری قانون را به رسمیت شناخته است.

روش ضبط ویدیویی اظهارات کودک توسط متخصصان نیز از شیوه‌هایی است که در بسیاری از کشورها به منظور آسان کردن مشارکت کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این میان نقش مددکاران اجتماعی هم در شیوه مشارکت و هم در اجرای این روش می‌توان تأثیرگذار باشد. در روش مزبور، اظهارات کودک بزه‌دیده که در مصاحبه با مقامات یا مددکاران آموزش‌دیده بیان شد، در یک نوار ویدیویی ضبط و در دادگاه پخش می‌شود. مصاحبه‌کننده در طول مصاحبه باید آرامش خود را حفظ نموده از شنیدن سخنان کودک مضطرب نشود، زیرا هرگونه تغییر حالتی در فرد مصاحبه‌کننده ممکن است کودک را از توصیف جزئیات منصرف نماید (Alison, pamila, 2007: 43).

از آنجا که قانون انگلستان به صورت منسجم از حق شنیده شدن کودکان بزه‌دیده صحبت نکرده است، در ادامه موادی که مشارکت کودک و مداخله او در فرایند رسیدگی کیفری با عنوان بزه‌دیده جرم را به رسمیت شناخته است و یا آنکه درصدد تسهیل اجرای این حق هست مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نخست آنکه قانون مذکور در ابتدای فصل مربوط به کودکان و نوجوانان، مشخص نموده است که حمایت‌ها و حقوق مندرج در این فصل مربوط به افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد. البته با وجود تمامی این توضیحات، حمایت‌ها و حقوق مربوط به کودکان بزه‌دیده در رابطه با افراد زیر ۱۸ سال اعمال می‌شود. قانون مذکور همان‌طور که در ادامه نیز خواهد آمد برخلاف حقوق ایران، خود طفل را اصیل می‌شناسد و در نتیجه مشارکت و مداخله او را به رسمیت می‌شناسد. این طفل است که پس از گزارش جرم تأییدیه گزارش جرم<sup>۱</sup> را دریافت کرده و در ادامه در جریان روند رسیدگی قرار می‌گیرد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸: ۲۳۵). این در حالی است که در نظام حقوقی ایران مطابق آنچه در مواد ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری آمده طفل حق طرح شکایت نداشته و این نظر ولی یا قیم است که به نام مصلحت کودک اعمال خواهد شد<sup>۲</sup>. در تعریفی که یونیسف از

1. Receive written confirmation that you have reported a crime, including the basic details of the offence Chapter 3, part A, section 1, Para 1.

۲. شاید بتوان گفت این رویکرد نظام حقوقی ایران متأثر از رویکرد حقوق فرانسه هست. در حقوق فرانسه به بزه‌دیدگان زیر ۱۸ سال صلاحیت قانونی لازم برای حضور مستقل در روند رسیدگی را ندارند و در نتیجه حقوق آنان توسط نمایندگان‌شان پیگیری خواهد شد. در صورتی که والدین کودک خود متهم باشند یا اینکه به همراه افراد دیگر در مظان اتهام ارتکاب جرم باشند برای کودک بزه‌دیده قیم (administrateur ad hoc) انتخاب خواهد شد. برگرفته از؛

مشارکت کودکان ارائه داده و قبلاً نیز مورد بحث قرار گرفته، آمده است که اظهار نظر کودک و مشارکت او در فرایند تصمیم‌گیری مستلزم انتقال اطلاعات و گفتگو با کودک می‌باشد. به بیان دیگر کودک زمانی می‌تواند مواضع صحیحی اتخاذ کند و نقشی مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری داشته باشد که به اطلاعات کافی دسترسی داشته باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون‌گذار انگلستان نه تنها حق مداخله و مشارکت یا به اعتبار ادبیات کنوانسیون حق شنیده شدن را به صورت حداکثری به رسمیت شناخته است، بلکه با در نظر گرفتن موقعیت خاص کودکان و اضطراب آنان به جهت ورودشان به نظام عدالت جنایی امکانات و قابلیت‌هایی را فراهم آورده است تا بتواند مداخله آنان را تسهیل کند.

مطالبی که تاکنون به تفصیل در مورد آن پرداخته شد، نحوه انعکاس اظهار و عقیده کودک بزه‌دیده بوده و ماده ۱۲ انتقال دیدگاه و عقیده کودک را توسط اشخاص مناسب پذیرفته و تعیین نوع آن را به قوانین داخلی دولت‌ها واگذار نموده است که در ادامه به حق مشارکت کودک بزه‌دیده از گذر فرآیند کیفری می‌پردازیم.

#### ۴. حق مشارکت کودک بزه‌دیده از گذر فرآیند کیفری

نسبت به کودکان که طیف آسیب‌پذیری از جامعه هستند می‌بایست سیاست جنایی افتراقی اعمال گردد. سیاست جنایی افتراقی را می‌توان اتخاذ سازوکارهای متفاوت نسبت به سایر سازوکارها دانست که نظر به وضعیت متفاوت مخاطبان سامانه عدالت جنایی با سایر افراد، به هر دلیل نظیر صغر سنی، ناتوانی و... اعمال می‌گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴: ۷). یکی از جهات عمده اهمیت موقعیت و نقش بزه‌دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، این اطلاعات بزه‌دیدگان بوده که منجر به شروع به تحقیقات از سوی دادستان شده است (Cohen, 2007: 358).

ورود به نظام عدالت جنایی خود زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانوی کودکان بوده و آنها را در تمامی مراحل پلیس، دادسرا، دادگاه، اجرای احکام در معرض خطر قرار می‌دهد. اگر سکوت اطفال بزه‌دیده و خانواده آنها شکسته شده و حرف‌های آنها شنیده شود، در اتخاذ تدابیر لازم نیز مشارکت داده شوند ولیکن در مرحله آخر، مقامات و مسئولین مربوط با سوء عملکرد، منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت کودک بزه‌دیده گردند، چیزی جز سرخوردگی و یأس و ناامیدی بیشتر و بزه‌دیدگی ثانوی برای کودکان بزه‌دیده در بر نخواهد داشت. در این راستا لازم است تا به دست‌اندرکاران نظام عدالت جنایی آموزش‌های لازم و تخصصی داده شود. نظام عدالت جنایی می‌بایست مصالح عالی‌ه کودک



بزه‌دیده را در همه حال لحاظ نماید. اقدامات اولیه‌ای که پس از اعلام جرم و گزارش وقایع رخ داده باید صورت گیرد، بسیار حائز اهمیت است. برای بیان نگرانی‌ها و نیازهای کودک بزه‌دیده در فرایند دادرسی، برقراری رابطه و دادن فرصت به کودک ضروری است. با این ارتباط می‌توان شیوه مناسب بازپرسی را تعیین نمود.

پیش از ورود به بحث باید متذکر شد که منظور ماده ۱۲ کنوانسیون از کودک، افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد و تفاوتی بین پسران و دختران از دیدگاه کنوانسیون وجود ندارد. در حالی که قانون‌گذار ایران بر اساس آنچه در تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است؛ «طفل را فردی می‌داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده است». این تفاوت دیدگاه موجب دشواری بررسی موضوع مقنن بر اساس دیدگاه کنوانسیون کودک می‌گردد، چراکه مقنن دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال را بزرگسال می‌داند در حالی که کنوانسیون کودک این گروه سنی را کودک به حساب آورده و دارای حق شنیده شدن می‌داند. بر همین اساس به جهت آنکه مطابق نظام عدالت جنایی ایران بزه‌دیدگان بالغ بزرگسال محسوب شده و در روند رسیدگی کیفری به مانند بزرگسالان با آنان رفتار خواهد شد، نمی‌توان درباره حق شنیده شدن کودکان برای آنان سخن گفت، بدین جهت در ادامه به بررسی موضع نظام حقوقی ایران در قبال حق شنیده شدن بزه‌دیدگان نابالغ می‌پردازیم.

مواد ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ موضع قانون‌گذار در خصوص حق طرح شکایت توسط اطفال بزه‌دیده را مشخص کرده است. طفل بزه‌دیده ولو اینکه ممیز هم باشد حق طرح شکایت را نداشته و شکایت در خصوص جرائمی که علیه او ارتکاب می‌یابد حسب مورد وظیفه<sup>۱</sup> ولی قیم یا سرپرست قانونی است. نتیجه‌ای که از بررسی مواد ۷۰ و ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به دست می‌آید این است که طفل، بزه‌دیده تلقی می‌شود اما نمی‌تواند طرح شکایت کرده و شاکی محسوب گردد. به همین جهت تمامی حقوقی که برای شاکی در مواد مختلف قانون مذکور در جهت بیان نظرات خود تدارک دیده شده است منصرف از طفل بزه‌دیده هست؛ بنابراین، بر طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ هر شاکی بایستی بزه‌دیده باشد، اما هر بزه‌دیده‌ای لزوماً نمی‌تواند در مقام شاکی قرار گیرد. به همین سان، می‌توان پیش‌بینی کرد که جایگاه بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران جایگاهی درخور شأن او و آسیبی که متحمل شده است و

۱. از این جهت باید طرح شکایت را وظیفه ولی قیم یا سرپرست قانونی طفل دانست که قانون‌گذار در ماده ۷۱ مقرر کرده است، در صورت عدم طرح شکایت از سوی افراد نامبرده و وجود مصلحت طفل، دادستان خود موضوع را تعقیب خواهد کرد. اگر طرح شکایت حق افراد مذکور بود عدم استفاده از آن نمی‌توانست موجب چنین اختیاری برای دادستان باشد.

همچنین مؤثر در روند رسیدگی نیست و بیشتر جایگاه کودکان بزه‌دیده از این نیز نازل تر خواهد بود. حضور طفل بزه‌دیده در روند رسیدگی و اظهار عقیده او سبب اصلاح و بازپذیری بزهکار در اجتماع خواهد شد. زمانی که بزهکار با نتیجه عمل خود و رنجی که در نتیجه آن به بزه‌دیده وارد آمده است مواجه می‌شود موجبات شرمساری او فراهم خواهد شد. این شرمساری برخلاف شرمساری خوارکننده ناشی از مجازات می‌تواند در باز اجتماعی شدن بزهکار بسیار مؤثر واقع شود (غلامی، ۱۳۸۷: ۵۳).

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای ارائه دغدغه‌ها و نگرانی‌های کودک بزه‌دیده ماده قانونی خاصی به چشم نمی‌خورد که لازم است در این خصوص چاره‌اندیشی شود (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در همین رابطه، ماده ۱۲ کنوانسیون کودک تصریح می‌کند که کودک در تمام مراحل رسیدگی که مستقیم یا غیرمستقیم به او مربوط می‌شود باید مورد توجه واقع شود (رضوی فرد، ۱۳۹۵: ۹۴). به همین سان، بنا بر تصریح ماده ۱۲ حق شنیده شدن در تمامی مراحل رسیدگی قضایی-کیفری وجود دارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بند پ ماده ۳۵۹ و بند (ت) ماده ۴۵۱ به استماع اظهارات شاکی در دادگاه بدوی و تجدیدنظر اشاره شده است، اما با توجه به آنچه گفته شد کودک نمی‌تواند در نظام حقوقی ایران در مقام شاکی قرار بگیرد و در نتیجه ولی یا قیم او تنها به بیان دلایل و شرح آسیب‌ها از دیدگاه خود خواهند پرداخت. در نتیجه دادگاه نمی‌تواند به درستی با ابعاد بزه‌دیدگی کودک ارتباط برقرار کند؛ و همین طور بیان شد که به دلیل موقعیت خاص کودک بزه‌دیده-دیده بایستی تدابیر و اقدامات ویژه‌ای برای ابراز عقیده آنان فراهم شود. از طرف دیگر، مشارکت بزه‌دیده در فرآیند کیفری به سود دادگاه نیز هست و به قاضی پرونده کمک می‌کند که حقایق و واقعیت‌های پرونده را از زبان خود بزه‌دیده بشنود که این امر در نتیجه در گناه‌کاری یا براءت متهم نیز تأثیرگذار است (Kaoutzanis, 2011: 133). بدین ترتیب، ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری هرچند که به صراحت بر اهمیت اظهار نظر کودکان دلالتی ندارد، اما در صورتی که بزه‌دیده جرم کودک باشد به نوعی حق شنیده شدن و اظهار عقیده کودک را در مرحله اجرای حکم پذیرفته است. بنابراین با نگاهی کلی می‌توان گفت عقاید و دیدگاه‌های کودک بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته و این موضع محل نقد و ایراد است؛ اما مقنن در برخی از موارد

۱. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایران با پیش‌بینی نهاد پرونده شخصیت برای بزهکاران به این مهم که برای صدور رأی عادلانه و مؤثر نیاز به شناخت بزهکار وجود دارد، پی برده است. از طرفی رأی دادگاه تنها بر شخص بزهکار مؤثر نیست بلکه زندگی و آینده بزه‌دیده را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. به همین جهت به نظر می‌رسد جای خالی نهادی که دادگاه را به ابعاد شخصیتی بزه‌دیده آشنا سازد در نظام فعلی حقوق ایران خالی است.

تنها رضایت بزه‌دیده را شرط قرار داده است و موافقت شاکی را لازم نمی‌داند، در نتیجه، در مواردی می‌توان از اطلاق عنوان بزه‌دیده استفاده نمود و قائل به مشارکت کودکان در روند رسیدگی شد. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در بند (الف) خود رضایت بزه‌دیده را شرط ارائه خدمات از سوی بزه‌کار در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم در مواردی که تعقیب کیفری تعلیق می‌گردد قرار داده است. این ماده هرچند که به صراحت بر اهمیت اظهارنظر کودکان دلالتی ندارد، اما در صورتی که بزه‌دیده جرم کودک باشد به نوعی حق شنیده شدن و اظهار عقیده کودک را در مرحله اجرای حکم پذیرفته است. مورد دیگری که در این راستا می‌توان به آن اشاره نمود مواردی است که بر طبق ماده ۸۲ پرونده به میانجیگری ارجاع می‌شود. در آیین‌نامه‌ای که در تاریخ ۸/۹/۱۳۹۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است، اشاره‌ای به عنوان شاکی نشده و از عنوان بزه‌دیده استفاده شده است. در این آیین‌نامه در ماده ۱ در بند (ث) و در تعریف فرایند میانجیگری آمده است: «فرآیند میانجیگری مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجی-گر و با حضور بزه‌دیده و متهم برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقت‌نامه‌ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.» همان‌طور که مشخص است در فرآیند میانجیگری بنا بر اطلاق عنوان بزه‌دیده، خود کودک طرح گفتگو بوده و والدین تنها نقش حمایتی دارد. مسئله دیگری که با حق شنیده شدن کودک بزه‌دیده ارتباط دارد، امکان گزارش جرم توسط کودک هست. ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گزارش جرم توسط هر کسی که ناظر وقوع جرم بوده است را در صورتی که جرم مذکور از جرایم غیرقابل گذشت بوده و قرائن و امارات مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، برای شروع به تعقیب کافی می‌داند. بنا بر اطلاق این ماده کودک بزه‌دیده می‌تواند در خصوص جرائم غیر قابل گذشتی که قربانی آن بوده است اعلام جرم کند. هرچند که کودک بنا بر آنچه گفته شد نمی‌تواند شاکی محسوب شود. بنابر ماده ۱۰، نقش دیگری که بزه‌دیده می‌تواند در روند رسیدگی کیفری داشته باشد، مدعی خصوصی است. مطابق آنچه در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است. از آنجا که ورود آسیب و زیان به بزه‌دیده را ذیل هیچ‌کدام از این عناوین نمی‌توان قرارداد، بنابراین سن ۱۸ سال را برای طرح دادخواست ضرر و زیان مطرح نیست. در این خصوص می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۶۶۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۴ صادر شده است اشاره نمود که در آن لزوم سن ۱۸ سال برای طرح دعوی اعسار از طرف متهم نوجوان رد شده است. در استدلالی که این رأی بر آن مبتنی است آمده است که شرط

رشد و عدم حجر به علت سفاقت صرفاً ناظر به دعاوی مستلزم تصرف مالی است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، در نظام حقوقی ایران تنها افراد بالغ می‌توانند در جایگاه مدعی خصوصی قرار گیرند و بنابراین کودکان بزه‌دیده حقی برای طرح دادخواست حقوقی و مطالبه ضرر و زیان خویش از این طریق ندارند.

در خصوص کودکان بزه‌دیده سند دیگری تحت‌عنوان «رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم<sup>۲</sup>» در سال ۲۰۰۴ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رسیده است. این سند اشاره می‌کند به اینکه کلیه متولیان نظام عدالت کیفری باید با کودکان بزه‌دیده و شهود صغیر بر مبنای کرامت، عدم تبعیض و در نظر گرفتن بهترین منافع، رفتار نموده و از آنها حمایت نمایند و شرایط حضور فعال در فرایند دادرسی را برای ایشان فراهم آورند. حقوقی که در رهنمودهای این قطعنامه برای کودکان آمده است عبارتند از: حق برخورداری از رفتار احترام‌آمیز، حق عدم تبعیض، حق اطلاع‌رسانی، حق اظهارنظر و بیان نگرانی‌های خود، حق مساعدت در فرآیند دادرسی، حق حفظ حریم شخصی، حق کاهش صعوبت دادرسی، حق برخورداری از امنیت، حق بازپروری و حق برخورداری از تدابیر ویژه در فرایند دادرسی.

لازم به ذکر است که در نظام حقوقی انگلستان در خصوص تدابیر مقدماتی که در این راستا باید شکل گیرد، از توصیه‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۷ توسط وزارت کشور و با همکاری کلیه نهادها تحت عنوان جمع‌آوری بهترین دلایل در فرایند دادرسی کیفری، راجع به بازپرسی از بزه‌دیدگان و شهود استفاده از تدابیر ویژه<sup>۳</sup>، صادر شده است، استفاده می‌شود. این توصیه‌نامه جنبه الزامی ندارد اما راهنمای مناسبی از شیوه رسیدگی به جرائم علیه کودکان می‌باشد؛ از جمله در توصیه‌نامه مذکور، به مکان بازپرسی و ابعاد اتاق بازپرسی اهمیت به سزایی داده شده است. طراحی و فضای داخلی اتاق باید دلپذیر باشد، اسباب‌بازی‌هایی متناسب با سن و جنس کودکان موجود باشد. زمان بازپرسی و شیوه انجام بازپرسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نیازهای کودکان بزه‌دیده با صدور حکم محکومیت بزهکار پایان نمی‌پذیرد. حتی در مرحله اجرای حکم و بعد از آن نیز کودک بزه‌دیده نیازمند حمایت و شنیدن نگرانی‌هایش می‌باشد. ممکن است بزهکار در مرحله اجرای حکم یا پس از آزادی به لحاظ اتمام مجازات یا استفاده از نهادهایی

۱. در ادامه استدلال مورد اشاره آمده است: «... نظر به تصریح ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مبنی بر اینکه هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به‌عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. با عنایت به اینکه صرف طرح دعوای اعسار در دادگاه و رسیدگی به آن الزاماً به معنای تصرف در اموال نیست، لذا رأی صادره از شعبه نوزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران را منطبق با موازین تشخیص و مورد تأیید هست».

2. UN Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime.

3. Home Office, 2007, Achieving Best Evidence in Criminal Processing: Guidance on Interviewing Victims and Witnesses, and Using Special Measures.



مانند آزادی مشروط، اعطای مرخصی و غیره دست به تهدید کودک بزه‌دیده بزند و یا مجدداً او را آماج جرم قرار دهد .

در حقوق انگلستان، نیاز کودک بزه‌دیده در مرحله اجرای مجازات، به برقراری ارتباط با دستگاه قضایی و اظهار نگرانی‌ها و مشکلات به رسمیت شناخته شده است. بند ۲ ماده ۱۱ آئین‌نامه اجرایی بزه‌دیدگان، امکان برقراری تماس بزه‌دیدگان با این نهاد را فراهم آورده تا چنانچه، بزهکار در طول دوران حبس، با بزه‌دیده ارتباط برقرار نماید و موجبات آزرده‌گی و یا تهدید وی را فراهم آورد، با برقراری تماس با نهاد زندان، نگرانی خود را اعلام کرده و متعاقباً نهاد زندان نیز تدابیری که برای پیشگیری از وقوع مجدد چنین تماسی لازم است را اتخاذ نماید. همچنین اداره تعلیق مراقبتی و هیأت آزادی مشروط نیز، با انتصاب مأموری جهت برقراری ارتباط با بزه‌دیده، تحت عنوان افسر ارتباط با بزه‌دیده<sup>۱</sup>، امکان استمرار ارتباط بین بزه‌دیده و دستگاه قضایی را فراهم نموده‌اند.

مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدات و اقدامات تلافی جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۵۸).

### نتیجه‌گیری

کودک در زمان نوزادی و مراحل اولیه رشد خود، اصلاً قادر به اعلام وقایع رخ داده علیه او نیست و توانایی لازم را در این خصوص ندارد. حال اگر متجاوز به حقوق او، فرد بیگانه باشد، ممکن است خانواده طفل، در صورت اطلاع، نسبت به اعلام جرم اقدام نمایند ولیکن اگر این تعرض توسط افراد خانواده باشد احتمال اطلاع مراجع قضایی از آن به حداقل می‌رسد. کودکان در سنین بالاتر، اگرچه توان صحبت کردن و توضیح دادن اتفاقاتی که برای آنها رخ داده را دارند اما باز به دلایل مختلف از بیان آن وقایع ابا دارند. همانطور که در این نوشتار گذشت، در مواردی اطفال متوجه نیستند نسبت به آنها سوء رفتاری صورت گرفته است؛ بسیاری از غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌هایی که نسبت به اطفال صورت می‌گیرد، امری طبیعی جلوه می‌نماید؛ نه کودک و نه خانواده این آشنایی و اطلاعات را ندارند که حقوقی از طفل در حال ضایع شدن می‌باشد. حتی از آن فراتر، در مواردی جامعه نیز بسیاری از سوءرفتارها را که نسبت به اطفال در قالب «تربیت» و «سنت» صورت می‌گیرد موجه و مشروع می‌پندارد. در نهایت دولت‌ها نیز گاه با وضع مجازات‌هایی همچون اعدام، برای اطفال و نوجوانان، این قشر آسیب‌پذیر را مورد خشونت قرار می‌دهند. همچنین در مواردی در سنین بالاتر که کودک کاملاً قادر به بیان جرم واقع شده علیه او می‌باشد، امیدی به وضعیت بهبود شرایط خود

1. Victim Liason Officer.

در صورت اعلام جرم و گزارش موقوف ندارد. در بسیاری از موارد کودکان به بیان نقض حقوقشان می‌پردازند ولیکن مشاوران امین و آگاه در اختیار ندارند و بزرگسالی که مخاطب کودک قرار گرفته، نمی‌داند چگونه او را راهنمایی کند.

کودکی که با شکستن سکوت، گزارش سوء رفتار نسبت به خود را اعلام می‌کند، می‌بایست حرف‌ها و نگرانی‌هایش شنیده شود. کلیه دست‌اندرکاران از مرحله گزارش کودک تا رسیدگی قضایی، صدور حکم و اجرای آن و پس از آن، می‌بایست افرادی آموزش دیده و واجد صلاحیت بوده و حق بر شنیده شدن اطفال بزه‌دیده را محرم شمارند. اطفال بزه‌دیده با بیان نگرانی‌ها، ترس‌ها، شرایط و اوضاع و احوال خود، می‌توانند کمک بزرگی برای اتخاذ تصمیمات مناسب باشند تا روند بزه‌دیدگی‌شان قطع شده و دچار بزه‌دیدگی مکرر و یا بزه‌دیدگی ثانوی نشوند. در صورت موفق نبودن ما در شنیدن حرف‌های کودکان بزه‌دیده و احترام به حرف‌های آنها، تأمین نیازهای این کودکان با مشکل مواجه خواهد شد. اگر طفل بزه‌دیده که بهترین شاهد وقوع جرم با جزئیات آن بوده، مخاطب قرار نگیرد، تشخیص نیازهای او امری غیرممکن است. شرایط هر طفل بزه‌دیده با طفل بزه‌دیده دیگر متفاوت و نیازهای آنها نیز گوناگون می‌باشد، لذا نمی‌توان به همه آنها به یک شکل پاسخ داد. شنیدن نقطه نظرات آنها، ما را در انتخاب عملکرد و خدماتی که باید به آنها ارائه گردد یاری می‌نماید. علاوه بر شنیده شدن اطفال بزه‌دیده، نظر به اینکه آنها بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند، مسلماً مشارکت دادنشان در اتخاذ برخی تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند سودمند باشد. تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، اثر مستقیم بر اطفال بزه‌دیده دارد، پس اگر از طریق تعامل با تجارب و نظرات آنها باشد، قطعاً نتیجه مطلوب‌تری را به دنبال خواهد داشت.

اولین مراجعی که به حمایت کیفری از کودکان بزه دیده توجه کردند، مراجع بین‌المللی بودند که یکی از آنها، سازمان ملل متحد است که معاهده‌ای راجع به حقوق کودک تحت‌عنوان کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ تنظیم و تصویب نمود و بعد از آن نیز اسناد متعدد بین‌المللی دیگر به جنبه‌های حمایتی از کودک بزه دیده در فرایند کیفری پرداختند. در حقوق داخلی، در حال حاضر، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نمونه یک حمایت کیفری ویژه از کودکان بزه دیده در فرایند کیفری می‌باشد که خوشبختانه نشانه‌هایی از ورود به عصر بزه دیده مداری دیده می‌شود. این امر نشان دهنده این حقیقت است که امروزه توجه به بزه دیده و نیازهای وی، جزو اهداف نظام دادرسی کیفری ایران درآمده است. قانون مزبور به بزه دیدگان و ارائه دیدگاه‌ها نگرانی‌ها و مشارکت در فرایند کیفری به مثابه حق شنیده شدن به صورت عام پرداخته است. اما، مواد موجود در این قانون، می‌تواند تضمین‌کننده حقوق کودکان بزه دیده نیز محسوب شود.



به هر تقدیر، اگرچه قوانین ملی و اسناد بین‌المللی در حمایت‌های کیفری و غیرکیفری نسبت به اطفال بزه‌دیده دارای خلأهایی هستند، النهایه همین میزان حمایت‌ها نیز نباید با سکوت اطفال بزه‌دیده، شنیده نشدن آنها و عدم اعتمادشان به نظام عدالت جنایی به لحاظ سوء عملکرد در موارد مشابه، از اطفال بزه‌دیده دریغ شود. این امر مستلزم آموزش‌های لازم به ترتیب پیش گفته و دستیابی اطفال بزه‌دیده به موقعیتی بهتر و امن‌تر می‌باشد. کودکان انتظار دارند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن و بدون فوت وقت از حقوق خود بهره‌مند گردند و با موارد تضییع حقوقشان به نحو مؤثری برخورد شود. تا زمانی که آنها نتیجه مطلوبی از اعلام جرم نگیرند، بدبینی آنها به وعده‌های پوچ و توخالی بزرگسالان پایان نمی‌پذیرد و کشف و نمایان‌سازی این جرائم همچنان با رقم سیاه بالایی باقی می‌ماند.

مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی ایران بیانگر خلأها و نارسایی‌های متعددی در قوانین داخلی در این خصوص می‌باشد. در نتیجه، با قوانین کنونی که در بردارنده کاستی‌های بی‌شماری است که در این راستا، می‌توان به موازات تصویب اسناد بین‌المللی، از رهگذر اصلاح قوانین موجود و تصویب مقررات ویژه و خاص برای حمایت از کودکان بزه‌دیده، سنگ بنای یک سیاست عدالت جنایی تقنینی را تشکیل داد. در این بین، حق بر آزادی بیان مهم‌ترین حق و آزادی کودکان بزه‌دیده می‌باشد؛ چراکه موجب شکوفایی استعدادها و توسعه شخصیت کودکان می‌شود. آزادی عقیده نیز در زمره آزادی بیان جای می‌گیرد. حق مرتبط دیگر با این آزادی، حق بر شنیده شدن صدای کودک بزه‌دیده است که بر مبنای آن دولت‌ها مسئول محترم شمردن این حق برای کودک بزه‌دیده در فرایندهای قضایی و اداری با رعایت اصل منافع عالی‌ه کودک هستند. کودک می‌تواند این حقش را رأساً و یا توسط نماینده از جمله والدین، سرپرستان قانونی و یا یک وکیل اعمال نماید. حق مشارکت کودک در تمام موضوعات مؤثر بر زندگی حق دیگر کودک است که وی می‌تواند بر اساس آن در خانواده، مدرسه و جامعه مشارکتی مؤثر و فعال داشته باشد.

به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران با تصویب کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ گامی بلند در راستای به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق کودکان بزه‌دیده برداشته است که این موضوع شایسته تقدیر است. گرچه بر مبنای ماده ۹ قانون مدنی مفاد این کنوانسیون در حکم قوانین ایران است اما رویه قضایی ایران نشان داده است تا زمانی که قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این کنوانسیون به‌صورت قانون مصوب مجلس در نیاید اجرا شدن آن‌ها سرابی بیش نیست. به همین جهت این موضوع عناوین ویژه قانون‌گذاران را می‌طلبد. در همین راستا بایستی از تجربیات و عملکردهای کشورهای دیگر عضو این کنوانسیون نیز بهره‌برداری شود. کشور انگلستان با تصویب قانون شیوه برخورد با بزه‌دیدگان در سال ۲۰۱۵ ابتکارات و راهکارهای بسیاری را در زمینه

حق شنیده شدن کودکان که یکی از ظرفیت‌های کنوانسیون می باشد که ارائه داده است. مهم‌ترین نکته‌ای که در این قانون وجود دارد توجه به هر دو بعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حق شنیده شدن هست. سرانجام می‌توان بیان داشت، قانون‌گذار انگلستان تنها به الفاظ بسنده نکرده است و با ایجاد راهکارهای عملی درصدد مداخله و مشارکت کودکان در روند تصمیم‌گیری در خصوص مسائلی که به آن مربوط می‌شود برآمده است نگرستن به بعد عملی مسائل حقوقی موضوعی است که بایستی مورد توجه قانون‌گذار ایران نیز باشد تا قوانین کیفری به مجموعه‌ای از ایده‌آل‌های دست نیافتنی تبدیل نشود.

## منابع

- پور قهرمانی، بابک (۱۳۸۳)، «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، **رواق اندیشه**، فروردین، شماره ۲۸، ص ۶۷-۸۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، «بزه‌دیدگان حقوق و حمایت‌های بایسته»، **پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۸، شماره ۱۹، ص ۱۱۷-۱۳۹.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، **بزه‌دیده شناسی حمایتی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- رضوی فرد، بهزاد، بهشتی، خدیجه (۱۳۹۵)، **حقوق کیفری کودکان و نوجوانان**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- سرجیو پینه‌رو، پائولو (۱۳۸۷)، **گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان**، ترجمه علیرضا یارپرور، تهران: یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد).
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۸)، **ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان**، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- عباچی، مریم (۱۳۸۳)، «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۷، ص ۴۹-۸۶.
- عباچی، مریم (۱۳۸۴)، «رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۲-۵۳، ص ۱۶۹-۲۰۴.
- عبادی، شیرین (۱۳۸۲)، «حق مشارکت کودکان»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، دوره ۲، شماره ۷، ص ۱۱۱-۱۱۵.
- غلامی، حسین (۱۳۸۷)، «شرم و پیشگیری از تکرار جرم»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از تکرار جرم**، دوره ۴، شماره ۱۰، ص ۵۲-۸۶.



- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۹)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کلانتری، کیومرث، نصراللهی ابوذر (۱۳۹۵)، «ضرورت وجود یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده»، **مجموعه مقالات سیاست کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و بزهکار**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- لپز، ژرار، فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، **بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی**، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- مهرا، نسرين (۱۳۹۰)، **عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- معاونت آموزشی قوه قضاییه (۱۳۸۸)، **مسئولیت ضابطان در حقوق شهروندی**، چاپ اول، تهران: نشر قضا.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۴)، **تقریرات درس جرم شناسی**، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- هاجکین، راشل، نیویل، پیتر (۱۳۸۷)، **کتاب راهنما برای اجرای پیمان نامه حقوق کودک**، تهیه شده برای صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، توفیق صدیق، داریوش قمری، فریبرز مجیدی، هدی سام، جلد دوم، چاپ اول، تهران: یونیسف.
- هدایت، هدیه (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- Child protection Model Law, Best Practices: Protection of Childern from Neghlect, Abuse, Maltreatment, Explantation, January 2013.
- Code of practice for victims of crime October 2015.
- Cohen, Miriam,(2007), "Victims Participation Rights Within the International Criminal Court: a Critical Overview", **Denver Journal of International Law & Policy**, No 37, Pp. 351-377.
- Council of Europe convention on the protection of children against sexual exploitation and sexual abuse, Lanzarote, 2007.
- Daudin, Paul (2015), **Freedom of Expressions & Public order**, United Nations, Educational scientific & Cultural Organization.
- Home Office, (2007), **Achieving Best Evidence in Criminal Processing: Guidance on Interviewing Victims and Witnesses, and Using, Special Measurs**.
- Kaoutzanis, Christodoulous (2011), two birds with one stone: How the use of the class action device for victim participation in the international criminal court, MACRO, DOCX.



Mendel, Toby (۲۰۰۸), Freedom of Expression and the Regulation of Television to Protect Children: Comparative Study of Brazil and Other Countries, Center for Law and Democracy (CLD), available at: [www.law-democracy.org](http://www.law-democracy.org), visited at: 5/3/ 2015.

Penal Reform International,(2013), **Protecting Children' s Rights in Criminal Justice Systems**

Rayejian Asli, Mehrdad (2013), Introducing a General Theory of Victimology in Criminal Sciences, **International Journal of Humanities**.

Study on children's involvement in judicial proceedings contextual overview for the criminal justice phase- France, Luxembourg, publications office of the European Union, 2014.

The Howard League for Penal Reform,(2007), "**children as Victims**", Design by barbed howard league.Org.

Victims' Commissioner's Office,(2017), **A Review of Children's Entitlements in the Victim's Code**.

#### **International Documents:**

Convention on the minimum age for employment 1973.

Declaration of the rights of child 20 november 1959.

European convention on the exercise of childrens, rights, Strasbourg, 1996.

Every child's right to be heard, a resource guide on the un the committee on the rights of the child general comment No.12, unicef, First published 2011.

Guideline on Justice for child victim and witnesses of Crime, The Economic and social council.UN.2004.

International convention on the elimination of all forms of racial discrimination 1965.

International covenant on civil and political rights and the optional protocol thereto 1966.

